

یغما

شماره مسلسل ۱۲۰

سال یازدهم

تیرماه ۱۳۳۷

شماره چهارم

فعالیت‌های علمی تقی زاده در آمریکا

جناب آقای تقی زاده مدظله‌العالی در خردادماه ۱۳۳۶ بارویا و آمریکا بنابدهوتی که داشتند مسافرت فرمودند و در نیمه اردی بهشت ۱۳۳۷ بطهران بازگشتند. هر چند در این مدت گاه گاه در جراید ایران خبرهایی از شرکت آن جناب در مجامع علمی و ملاقات معظم له با علما و رجال اروپا و آمریکا، و احترامات و تعظیماهایی که بحق از ایشان شده است انتشار می‌یافت، اما این اشارات برای کسانی که از افتخارات معنوی کشور می‌بالند و شخص تقی زاده که وجود مبارکش مایه مباهات است علاقه تام دارند کافی نبود. از این روی پس از مراجعت آن جناب بطهران، در نخستین جلسه ملاقات، از گزارش این سفر علمی پرسشی شد، هر چند توقع بود جوابی مشروح تر بسؤال مجله بدهند، و حتی متن خطابه‌ها و سخنرانی‌هایی را که ایراد فرموده‌اند نیز ضمیمه کنند (و اکنون هم این استدعا تجدید می‌شود) باین همه نهایت سیاستگرایی و سرافرازی را از اظلاف خاص این بزرگ مرد شریف داریم که بچنین جوابی جامع بذل توجه و عنایت فرمودند. متعناالله بطول حیوته. اینک سؤال مجله و جواب جناب تقی زاده:

سؤال - شرح مسافرت جناب عالی بآمریکا در سال گذشته، که تاماهاهای اول

سال جاری از طهران غیبت داشتید، مورد علاقه جمعی در ایران است که بشخص خودتان نیز علاقه دارند، و غالباً مایلند بدانند در این مسافرت چه فعالیت‌هایی داشته‌اید، و سرگذشت مدت توقفتان در ایالات متحده آمریکا چیست. از مقام عالی مستدعی است

شرحی در این باب برای درج در مجله « یغما » بیان فرمائید که موجب نهایت سپاسگزاری است .

جواب - در اواخر سال ۱۳۳۵ دعوتی از مدرسه تحصیلات راجع به « شرق نزدیک و شرق وسطی » در نیویورک که شعبه‌ای از مدرسه امور بین‌المللی دارالعلوم کولومبیا است برای اینجانب رسید که تقاضا کرده بودند که برای مدت نیم سال تحصیلی آنجا بامریکا رفته و در رشته‌هایی که مورد علاقه معلمین و متعلمین آن مدرسه بود بر حسب مایه اطلاعات خودم همکاری کنم . یعنی در حوزه‌های بحث و تعلیم (سمینار) شرکت و راهنمایی ممکن به محصلین منتهی بنمایم ، و مرا اُختیر نموده بودند که از دو قسمت سال تحصیلی (سِمستر) که از اوایل مهر ماه تا اواخر اردیبهشت و اوایل خرداد دوام دارد ، و قسمت اول آن تا اواخر دیماه است ، یکی را اختیار کنم . در آن موقع اینجانب بعلت اشتغال زیاد در مراقبت بامور مجلس سنا جواب عاجل بآن تقاضا ندادم و با آن شفلی که داشتم قبول دعوت مدرسه را ممکن ندانستم . بعد از قریب دو ماه که سال بآخر رسید و اینجانب بواسطه انکسار مزاج نتوانستم مداومت در خدمت آن مجلس را با وجود انتخاب مجدد و میل همکاران قبول کنم ، و استعفا نمودم بامید اندک استراحت و تغییر کار و ضمناً مشاوراتی راجع بمزاج خودم و معاینات لازمه بر آن شدم که دعوت مدرسه را اجابت نمایم و این کار را در اوایل سال گذشته بعمل آوردم ، یعنی جوابی مبنی بر قبول دعوت نوشته و قسمت تحصیلی پائیز را (مهر ماه تا اواخر دی) اختیار نموده و پذیرفتم .

چون دو دعوت دیگر هم برای قبل از حضور در آمریکا و برای بعد از فراغت از کار و مدرسه باینجانب رسیده بود که یکی برای حضور در انجمن بین‌المللی مستشرقین در مونیخ از بلاد آلمان منعقد از ششم تا ۱۳ شهریور بود ، و دیگری از جانب دولت آمریکا برای مشاهده ایالات متحده و نقاط و مؤسسات مورد علاقه برای بعد از دیماه . در ۲۲ مرداد ماه ۱۳۳۶ از طهران حرکت و پس از توقف چندروز در سویس ، در دوم شهریور با سایر دوستان از فضلی ایرانی که در مجمع مستشرقین اشترک میکردند در مونیخ حاضر شدیم و شرح راجع بآن مجمع را اینجانب جداگانه

بپهران نوشتم که در مجلات طهران هم نشر شد. از مونیخ بانگلستان رفته و با کشتی در ۲۹ شهریور عازم آمریکا شده و در روز دوم مهر ماه به نیویورک رسیدم. مدرسه در چهارم مهر شروع بکار میکرد.

در ظرف مهر ماه بتدریج شروع بحضور در مدرسه نمودم و اولیای مدرسه مراعات زیادی نسبت بمن کرده و از اوایل امر تکلیفی بر اینجانب متوجه نمودند، متدرجاً هفته‌ای در روز درسمینارها حضور پیدا کردم و گاهی اظهار نظری در بعضی مسائل میکردم. در ماههای آذر و دی درسهائی بشکل خطابه‌های متوالی دادم که جمعاً پنج شش خطابه شد و برای موضوع این دروس بر حسب علاقه شرکت کنندگان، تاریخ جدید ایران از آغاز قرن نوزدهم مسیحی تا نیمه قرن بیستم اختیار شد با مقدمه‌ای از ابتدای روابط ملل اروپائی با ایران از قرن شانزدهم مسیحی به بعد، و در واقع تاریخ سیاسی و اجتماعی قرون اخیر بود.

در این دوره خطابه‌ها، اینجانب سعی کردم از طرفی بحدی که ممکن است حالت بین‌المللی ایران را در یک قرن و نیم گذشته و روابط سیاسی این مملکت را با ملل مغربی و ظهور و ورود آثار تمدن غربی در این کشور و دران ضمن تحولات نیم قرن اخیر را با اطراف و کامل و جامع، و از طرف دیگر مطابق حقیقت و بیطرفانه و خالی از ادنی تمایلات و احساسات شخصی یا ملی بطور دقیق تصویر کنم و مخصوصاً در تصحیح اشتباهات بی‌شمار آنچه در کتب نویسندگان ممالک مغربی در باب ایران آمده کوشیدم. علاوه بر این دروس یا خطابه مدرسه امور بین‌المللی ماهی یک شب مجمع بحث و صحبت داشت که حاضرین آن مجمع استادان شعب مربوط بآن مدرسه بودند و پس از صرف شام یکی از حضار بر حسب قرار قبلی صحبتی راجع بممالک شرقی میکرد و سایرین در این باب سؤالات و بحث‌ها میکردند. در یکی از این مجالس هم بر حسب خواهش رئیس مدرسه اینجانب بیاناتی راجع بروابط بین‌المللی ایران نمودم و بسؤالات و مباحثات طرح شده از جانب حاضرین جوابهای لازم دادم، و نیز در ضمن یک سلسله خطابه‌هایی راجع بافکار و عقاید دینی قدیم ملل از طرف یکی از شعب دارالفنون کولومبیا تشکیل شده بود و قریب چهار پنج خطابه از این در باب «تفکرات

دینی در ایران قدیم « بود از من خواهش کردند خطابه‌ای راجع به مانی و دین او ایراد نمایم و کردم .

کتابخانه‌ی بالنسبه جامعه‌ی باسَم کتابخانه « باتلر » در نزدیکی مدرسه بود که برای استادان و محصلین سهولت مورد استفاده بود و همه یاغالب اینها که در نزدیکی مدرسه هم منزل داشتند هر کتاب مورد حاجت را امانت گرفته بمنزل میبردند و مراجعه مینمودند . اولیای مدرسه برای اینجانب منزل بسیار خوب و بارفاهی واقع در همان دایره و حوزه کولومبیا تهیه کرده بودند که چهارماه در آنجا اقامت داشتم و به مدرسه و کتابخانه و سایر مؤسسات مربوطه خیلی نزدیک بود . زاید نمیدانم که از مراتب مهمان نوازی و اکرام فوق العاده که اولیای کولومبیا در مدت اقامت من در نیویورک ، و هم اولیای امور دولت آمریکا در موقع مسافرت اینجانب در واشنگتون و نقاط مختلف آمریکا ، نسبت باینجانب ابراز داشتند ذکر می‌نمایم .

در اوایل بهمن ماه گذشته کارهای مربوط بمدرسه برای اینجانب ختام یافت و دردهم آن ماه از نیویورک حرکت کرده بواشنگتون رفتم . آقای نمازی مرا دعوت نموده بودند که در خانه ایشان ورود و منزل کنم و اینجانب با امتنان اجابت نمودم و مدت توقف در واشنگتون را خدمت ایشان بودم و کمال مهمان نوازی بعمل آوردند . برای اینجانب جهت دیدار نقاط مختلف و مؤسسات در آمریکا نقشه عملی تهیه شد که در ظرف دو ماه تقریباً غالب نقاط دیدنی و مخصوصاً مؤسسات علمی را مشاهده نمایم ، لکن همینکه تهیه این نقشه تمام شد کسالت مزاجی پرحتمی برای اینجانب بروز کرد و باهمه میل و سعی که در مداومت باجرای نقشه داشتم عاقبت شدت مرض مانع شد و ناچار قسمت زیادی از آن نقشه را حذف کردیم و بنامش از بعضی مؤسسات علمی قسمت شرقی دیدار کنم .

از واشنگتون به فلوریدا رفتم که در زمستان هوای بهار دارد . بدبختانه مرض من در آنجا بسیار شدت کرد و قریب بیست روز تحت معالجه طیب بودم تا قدری تخفیف حاصل شد و از میامی (شهر مرکزی فلوریدا) باطیاره به بوستون رفتم و یک هفته در کمبریج در جوار بوستون مشغول بازدید دارالفنون هاروارد و ملاقات با

اساتید و دیدار کتابخانه‌ها و غیره بودم مخصوصاً از ملاقات با پروفیسور **ولسفیون** استاد عالی‌مقام و بسیار دانشمند فلسفه اسلامی و علم کلام خیلی بهره‌مند شدم و نیز پروفیسور **فرای** استاد السنه ایرانی محبت زیادی نسبت باینجانب ابراز نمود و مهمانی کرد. از آنجا به شهر نیویورک رفتم و پنج شش روز مهمان دارالفنون ییل بودم و باز مشغول ملاقات با دانشمندان آنجا و مشاهده کتابخانه و مجموعه آثار بودم. مجموعه کتیبه‌های بابلی و آسوری کاملی تحت نظر استاد **استونسون** منشی مجمع علمی مستشرقین که بسیار پرمایه بود خیلی دیدنی بود. دیدن و صحبت با پروفیسور **روزنتال** که در علوم و السنه اسلامی شهرت کامل دارد نیز برای اینجانب بسیار مغتنم بود. از نیویورک به «پرستون» رفتم و آن شهر کوچک با دارالفنون بسیار جالب نظر آنجا و مؤسسات علمی بیش از غالب نقاط دیگر مرا مجذوب نمود و مخصوصاً یک مؤسسه تحقیقات و مطالعات علمی درجه اعلا که در آنجا تأسیس شده و مرکز تحقیقات متخصصین در علوم است تقریباً بی‌نظیر است. اینجانب از ملاقات و مذاکره با رئیس مؤسسه دکتر **اوپنهایمر** که بواسطه تحقیقات و کشفیات خود در رشته اتم‌شناسی شهرت جهانی دارد و با پروفیسور **نویگساور** که امروز بزرگترین مرجع تاریخ علوم ریاضی و نجوم و مخصوصاً آثار بابلی است و با چند نفر دیگر از علمای عمده در آنجا بسیار خوشوقت و برخوردار شدم.

در روز چهارم فروردین سال جاری از «پرستون» به نیویورک برگشتم و آقای **گورکیان** از اتباع ایران ایرانی‌الاصل که فوق‌العاده بایران و امور مربوط بایران و مخصوصاً علوم و صنایع آن علاقه‌مند است ما را قریب دو هفته مهمان کرد که درین مدت مشغول تهیه مسافرت و عودت بایران بودیم. در مدت این چند روزه توقف در نیویورک که مصادف با انعقاد مجمع عمومی سالیانه مستشرقین آمریکا در آن شهر بود و از همه نقاط آمریکا متخصصین در علوم و السنه شرقی با آنجا آمده بودند اینجانب نیز در آن مجمع حضور یافتیم و در شام باشکوهی که در خاتمه اجلاسات ترتیب دادند ما را (یعنی من و زنم را) مهمان افتخاری اصلی و عمده قرار داده و نطق‌هایی سرمیز در ابراز محبت بما ایراد نمودند.

در ۱۹ فروردین با طیاره از نیویورک بلندن مسافرت نمودیم و پس از یک هفته توقف در آنجا به برلین رفتیم و یک هفته نیز آنجا بودیم و بعد به ژنو (سوئیس) رفته چند روز آنجا توقف کرده ۱۳ اردیبهشت از آن نقطه بسوی طهران حرکت و روز ۱۴ وارد طهران شدیم.

در مدت توقف در واشنگتون از جاها و اشخاص که ترتیب مشاهده و ملاقات برای من داده شد کنگره آمریکا و هر دو مجلس نمایندگان و سنا بود که در هر دو حاضر شده و با رؤسای مجلسین ملاقات و صحبت کردم. در جلسه مجلس نمایندگان حضور بهم رسانیدم و در مجلس سنا اینجانب را در اطاق جلسه پذیرفتند و چون در آن موقع خود رئیس مجلس سنا که نایب رئیس جمهوری نیز هست غایب بود سخنگوی ارشد مجلس آقای **فولند** مرا به مجلس معرفی و نطقی مشتمل بر مختصری از تاریخ زندگی من هم بیان کرد و همه اظهار خوش آمد کردند و من ابراز تشکر نمودم. یک روز هم آقای نیکسون معاون رئیس جمهوری را بر حسب ترتیب وقراری که داده بودند ملاقات نمودم و با آقای دکتر علی امینی سفیر کبیر ایران علی الرسم به جایگاه اورفتم و زمانی صحبت کردیم. وزیر امور خارجه در واشنگتون نبود و قرار ملاقاتی برای من با معاونین او دادند و هر نوع اکرام نسبت باینجانب نمودند. این ملاقاتها و نیز حضور من در مجمع محصلین ایرانی نیویورک و صحبتی که آنجا داشتم بعدا مطلع شدم که در جراید طهران هم درج شده بود.



این بود مختصر شرح مسافرت اینجانب با آمریکا و آلمان و گزارش مشاهدات و کار علمی که در آمریکا داشتم که اگر چه قابل اطلاع و علاقه عامه نبوده و فایده زیادی در آن نمی بینم، آنرا محض اجابت تقاضای جنابعالی بیان نمودم تا اگر فایدهای در درج آن در مجله به بینید، نشر فرمایند.